

عادل الجبیر به ظریف وقت نداد!

صفحه ۲

دولت علیه سعودی‌ها انقلابی باشد

صفحه ۲

تأکید رهبر انقلاب بر مسؤولیت پذیری عربستان در فاجعه منا

حکام سعودی عذرخواهی کنند

صفحه ۲



تکمیل: Khamenei.ir

تیتراژ امروز

به گفته منابع موثق در مکه

قربانیان ایرانی به ۴۰۰ نفر می‌رسند

- هر روز بر عمق فاجعه منا افزوده می‌شود
- دفن جان باختگان حادثه منا در گلزار شهدا



صفحه ۲

پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری:

روحانی اخبار منارا از جهانگیری گرفت

صفحه ۲

منتقدان سعودی خواستار شدند

فیلم‌های فاجعه منارا منتشر کنید

صفحه ۱۵

فاجعه منا زبان منتقدان داخلی عربستان را گشود

صفحه ۱۵

خبر

ادامه سفر رئیس جمهور بعد از فاجعه منا اهانت به مردم است

حسین شریعتمداری با انتقاد از ادامه سفر رئیس‌جمهور به نیویورک پس از ضایعه شهادت صدها تن از حجاج ایرانی در منا گفت: ادامه سفر ایشان علاوه بر آنکه در عرف دیپلماتیک اقدامی غیرقابل توجیه تلقی می‌شود، اهانت به مردم و بی‌اعتنایی به جان‌باختگان و خانواده‌های آنان نیز هست. سرپرست مؤسسه کیهان در گفت‌وگو با فارس با انتقاد از ادامه یافتن برنامه سفر رئیس‌جمهور به نیویورک بعد از فاجعه بزرگ منا گفت: پس از وقوع ضایعه جانسوز منا و شهادت صدها تن از حجاج ایرانی، انتظار آن بود که رئیس‌جمهور بلافاصله سفر خود را متوقف کرده و به کشور بازمی‌گشت. وی افزود: ادامه سفر ایشان علاوه بر آنکه در عرف دیپلماتیک اقدامی سؤال‌برانگیز و غیرقابل توجیه تلقی می‌شود، اهانت به مردم و بی‌اعتنایی به جان‌باختگان فاجعه منا و خانواده‌های آنان نیز هست. شریعتمداری تصریح کرد: این بی‌اعتنایی به حالی است که روسای کشورهای دیگر در مواردی بسیار کم اهمیت تر از ضایعه بزرگی که برای مردم ایران اتفاق افتاده است، بلافاصله سفر و برنامه‌های از قبل برنامه‌ریزی شده خود را متوقف کرده و به منظور ابراز همدردی و همراهی با ملت خویش به کشورهای خود بازگشته‌اند. مدیرمسئول روزنامه کیهان ادامه داد: به‌عنوان مثال پادشاه اردن که در سفر آمریکا به سر می‌برد زمانی که خبر سوزاندن خلبان اردنی توسط داعش را شنید سفر خود را نیمه‌تمام گذاشت و به کشورش بازگشت. حتی حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان پس از کشته شدن چند نظامی افغان توسط نیروهای آمریکایی بلافاصله سفر به چین را در میانه راه رها کرد و به کابل بازگشت. وی تأکید کرد: این یک اصل شناخته‌شده دیپلماتیک است و تعجب‌آور است بعد از فاجعه جانسوز شهادت و مجروح شدن صدها تن از حجاج ایرانی، آقای روحانی که از قضا بیش از همه روسای جمهور قبل بر رعایت مبانی دیپلماتیک و حفظ حرمت مردم ایران در جهان تأکید می‌ورزند، همچنان برنامه‌های عادی سفر خود را ادامه دادند. شریعتمداری در پایان افزود: این بی‌اعتنایی زمانی درناتکر می‌شود که حتی آقای ظریف وزیر امورخارجه نیز که همراه رئیس‌جمهور در سفر نیویورک به سر می‌برد، به ایران بازنگشت در حالی که به دلیل کشته و مجروح شدن صدها حاجی ایرانی در کشور سعودی به طور طبیعی ایجاب می‌کرد وزیر امور خارجه کشور برای پیگیری مسائل به کشور بازگردد نه اینکه وزیر بهداشت و ارشاد مأمور پیگیری مساله و سفر به عربستان شوند که متأسفانه دولت سعودی حتی ویزا هم به آنها نمی‌دهد.

ملاحظات نقاله برای راندن جوانان انقلابی به حاشیه

شهاب‌الدین سینایی

در زمره سرمایه‌های ملموس و ناملموس اجتماعی اعم از انسجام ملی، پویایی جمعی و مشارکت، ارزش‌ها و انگیزه‌های مذهبی، قانونگرایی و... می‌توان به جوانی جمعیت یا به عبارتی نیروهای جوان جامعه اشاره کرد. البته ارزندگی این سرمایه علاوه بر عنصر سنی به طور مستقیم با کیفیت این نیروها ارتباط می‌یابد.

به عبارت بهتر، زمانی می‌توان نیروهای جوان جامعه را سرمایه‌هایی ارزشمند به شمار آورد که این نیروها با سطح کیفیت بالا در موقعیت برانگیختگی، کارکردهای مورد نظر را در جهت خیر عمومی به نمایش بگذارند و پرکن از رکود، رخوت، محافظه‌کاری و بسندگی به نفع شخصی، نقش‌های مورد نیاز برای تحقق خیر عمومی در جامعه را بر عهده گیرند.

به باور شماری از صاحب‌نظران مسائل اجتماعی، یکی از مولفه‌های تعیین کیفیت شهروندی-بویژه شهروندان جوان- میزان آگاهی و شناخت آنان از واقعیت‌های سیاسی- اجتماعی جهان پیرامون است. البته در این باره نگاههایی با ۱۸۰ درجه اختلاف نیز وجود دارد که ناظر بر ترویج بی‌تفاوتی در امور سیاسی است که گسترده‌ترین نگاه تنها محدود به نظام‌های توتالیتر نیست و می‌توان شاهد شیوع آن در شبه‌مردمسالاری‌های غربی نیز بود. به این ترتیب وضعیت کنونی بسیاری از جوامع و شهروندانشان را می‌توان معکوس با فلسفه برپایی نظام‌های مردمسالار از دید اندیشه‌مورزان باستانی چون «رستلو» دید که نیل به خیر عمومی را هدف غایی نظام‌های سیاسی مطلوب می‌شمردند. در چنین شرایطی، تقویت آگاهی و حساسیت سیاسی- اجتماعی و دوری از بی‌تفاوتی در جهت مشارکت حداکثری احاد شهروندان بویژه جوانان در سرنوشت عمومی از ارزش‌های ترویجی و مورد حمایت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود که تجزیه‌تاریخی بویژه طی ۴ دهه گذشته بر اهمیت آن افزوده است. البته جریانهایی نیز در کشور در برخی موقعیت‌های زمانی و به اقتضا، دیدگاهی معکوس را به نمایش گذاشته‌اند. در این باره می‌توان به بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی طی هفته‌های اخیر درباره نقش جوانان در جامعه و نگرانی‌های موجود در این زمینه اشاره کرد. ایشان می‌فرمایند: «سعی دشمنان این است که جوان ما را لالایی بار بیآورند. نسبت به انقلاب بی‌تفاوت بار بیآورند، روحیه حماسه و انقلابی‌گری را در او بکشند و از بین ببرند که جلوی این باید

ایستاد... مسؤولان کشور نیز جوان‌های انقلابی را گرمی بدارند. این همه جوان‌های حزب‌اللهی و انقلابی را برخی گویندگان و نویسندگان نکویند به اسم افراطی و امثال اینها. جوان انقلابی را باید گرمی داشت.»^۱

نکته‌ای که اینجا باید آن را یادآوری کرد، نقش جوانان انقلابی در مراحل و صحنه‌های گوناگون تاریخ انقلاب، از پیروزی انقلاب اسلامی و ۸ سال دفاع مقدس گرفته تا سازندگی کشور، مشارکت در همه عرصه‌های مورد نیاز و حساسیت بالا نسبت به تحولات جامعه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و... است؛ نقشی که به دلیل خودانگیختگی و قرار داشتن در مسیر تحقق منافع، اهداف و در نهایت آرمان‌های ملی در برخی مواقع تعارض‌هایی با مطامع برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی یافته است.

در چنین صحنه‌های تعارضی، یکی از تاکتیک‌های از میدان به در کردن این جوانان انقلابی انگ‌زنی به آنان زیر عنوان‌هایی چون متعصب، افراطی و... است که بارها در مراحل گوناگون تاریخ انقلاب شاهد آن بوده‌ایم. البته این فرآیند منحصر به محدوده جغرافیایی و زمانی خاصی نیست و تجربه‌های تاریخی بویژه در جوامع پسانقلابی در این زمینه به اشکال مشابهی قابل رؤیت و بررسی است. صاحب‌نظری چون «چالمرز جاسون»^۲ بر این باور است که جوامع پسانقلابی در مرحله میل شدیدی در میان دسته‌های از نخبگان برای بازگشت به شرایط پیش از انقلاب بروز می‌یابد که در برابر خواست آرمانگرایان قرار دارند و نماینده خواست توده‌ها برای تحقق اهداف انقلاب به شمار می‌روند.

هر چند تعارض دیدگاه جوانان انقلابی با منافع جریان‌ها و گروه‌های سیاسی ناهم‌سنگ با ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، نوعی کشمکش و رویارویی پایان‌ناپذیر و گاه آشتی‌ناپذیر به شمار می‌آید اما همین گروه‌ها و جریان‌های واپسگرا خود آنگاه که در نبود نیروهای اصیل انقلابی در عرصه‌های مورد نیاز چالش‌های جدی می‌تواند پیش روی سرنوشت مشترک این دو طیف خودنمایی کند.

در این زمینه تهدیدهای امنیتی پیش روی کشور را می‌توان مثال زد که برآمده از قدرت سخت و قدرت نرم دشمنان خارجی نظام سیاسی مقدس کشور و شهروندان ایرانی است.

ادامه در صفحه ۵

نخستین نظریه پرداز نومحافظه‌کاری

دکتر حمیدرضا اسماعیلی*

می‌کند. شاید بتوان اینگونه گفت که او دموکراسی را برای جامعه‌ای که - به عقیده وی - هنوز به عقلانیت و توسعه دست نیافته، زیان‌آور می‌داند. نکته ظریف همین جاست که او با حذف رهیافت جامعه‌محور، نظریه الیگارشیکی را به نام رهیافت نخبگان محور طرح می‌سازد. سریع‌القلم نخبگان را به دو گروه «فکری» و «بزاری» تقسیم می‌کند. نخبگان فکری - همچنان که از نام‌شان معلوم است - شامل تولیدکنندگان اندیشه و نظریه‌پردازان می‌شود؛ با این توضیح که او اساساً با فلسفه مخالف است و ضمن گریز از مباحث انتزاعی و متافیزیکی، اصل اندیشه را اندیشه‌های مبتنی بر علم که با آینده‌نگری همراه است می‌داند. در واقع آنها تنها دانشوران علوم جدید اعم از انسانی و غیرانسانی هستند. اما «نخبگان بزاری» که اصل بحث بر سر آنهاست، همان صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی هستند. یعنی همان طبقه ممتازی که نخبگان بزاری را تحت عناوینی مانند کارشناسان و بروکرات‌ها اجیر می‌کنند. او تصریح دارد بهترین افراد برای هدایت توسعه‌یافتگی همین نخبگان فکری و بزاری هستند، کما اینکه در جوامع توسعه‌یافته، ائتلافی منطقی میان این دو وجود دارد. لذا او مهم‌ترین مساله توسعه در ایران امروز را روش‌های رسیدن به اجماع در میان نخبگان معرفی می‌کند که درباره آن باید به چند نکته مهم اشاره کرد.

یک - استفاده از اصطلاح «نخبگان بزاری» یا همان طبقه ممتاز دارای قدرت سیاسی و اقتصادی ممکن است خواننده را به این اشتباه بیندازد که به باور او این طبقه ابزار نخبگان فکری هستند، در حالی که ماجرا برعکس است. در حقیقت آنها هستند که ابزار الیگارشی محسوب می‌شوند. نخبگان فکری تنها به عنوان کارشناسان و تکنوکرات‌ها کمک می‌کنند تا روش‌های رسیدن به اهداف تحمیل شود و همانطور که واقعیت‌ها نیز نشان می‌دهد، اصل منافع و اهداف کلان با همان طبقه است. در واقع آنها به ایدئولوژی‌زایی یاری می‌رسانند تا اهداف عینی معلوم‌تر شود.

دو - سریع‌القلم - همانطور که بارها گفته است - توسعه‌یافتگی را با غربی شدن برابر می‌داند. لذا در تعریف او از «نخبگان بزاری» هر صاحب قدرتی نمی‌تواند مشارکت کند؛ مگر اینکه آنها نیز تمایلات غربی داشته باشند یا دست‌کم با آن مخالف نباشند. از این رو، وقتی سخن از ائتلاف به میان می‌آید، روشن است این ائتلاف به راحتی قابل تحمیل نخواهد بود.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز



سال ۸۰ در دانشگاه امام صادق(ع) با جناب دکتر «حمود سریع‌القلم» درس «توسعه‌یافتگی و مسائل جهان سوم» داشتیم. در سال‌های اصلاحات او را به عنوان یکی از نظریه‌پردازان اصلاحات معرفی می‌کردند. در حالی که او خود این مساله را قبول نداشت و انتقادهای بسیار تندی علیه اصلاحات و رئیس دولت وقت داشت. به طور مثال او معتقد بود جریان اصلاحات در دست عده‌ای نیروی اطلاعاتی چپ افتاده و تمام چالش‌های دوران اصلاحات را جنگ نیروهای اطلاعاتی چپ با راست ارزیابی می‌کرد. معتقد بود این رقابت‌ها ریشه در رقابت آنها در وزارت اطلاعات و در دهه گذشته دارد. او ایدئولوگ نیروهای اطلاعاتی راست را آقای «مصباح» می‌دانست و ایدئولوگ نیروهای اطلاعاتی چپ یا همان اصلاحات را «عبدالکریم سروش» معرفی می‌کرد. از نقدهای دیگر سریع‌القلم انتقاد به توان مدیریتی رئیس دولت بود. او می‌گفت رئیس دولتی که وقتی وزیرش مشکلات وزارتخانه مربوط به خودش را شرح می‌دهد به جای حل مشکل گریه می‌کند و از این جهت به زنان شباهت دارد، به کار ریاست جمهوری نمی‌آید. او از همان سال‌ها نیز به عنوان یکی از مشاوران نزدیک حسن روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع شناخته می‌شد و به همین دلیل گاه نقد دانشجویان به آنجا نیز کشیده می‌شد.

در آن سال‌ها این تصریح سریع‌القلم که از جنس اصلاح‌طلبان نیست، کمتر شنیده می‌شد و تفاوت او با اصلاح‌طلبان جز نقدهای مصرحش چندان قابل تمیز نبود، در حالی که اگر خوب می‌نگریستیم کتاب «عقلانیت و توسعه‌یافتگی» او گواه بر صدق ادعای او بود. البته در آن سال‌ها معنای اصلاحات و اندیشه آن هم چندان روشن نبود که این تمیز و تفکیک، ساده باشد. در واقع او در آن کتاب و نوشته‌های دیگر آن زمانش بنیان‌های نظری «ایدئولوژی نومحافظه‌کاری» را تدوین و تهیه می‌کرد. سریع‌القلم و «صادق زیباکلام» را باید از نخستین نظریه‌پردازان «نومحافظه‌کاری» در ایران دانست. اگرچه زیباکلام را به لحاظ قدرت نظری نمی‌توان همتراز با سریع‌القلم دانست اما در مجموع این دو را می‌توان از طلیعه‌داران «ایدئولوژی نومحافظه‌کاری» در ایران کنونی به شمار آورد که در این میان اولویت با سریع‌القلم است.

نگارنده درباره ایدئولوژی اصلاحات به طور مبسوط در مقالات و کتاب‌های مختلف بحث